

مقررات گذاری و نظارت بر بخش مالی پس از بحران مالی

احمد عزیزی

خلاصه سخنرانی در سمینار تحلیل اقتصاد جهانی – تحولات اخیر در بانکداری مرکزی و نظارت بر بانک ها

۱۰ آبان ۱۳۸۹

چکیده

پس از بحران اقتصادی فراگیر و بی سابقه اخیر تلاش های بسیاری برای توضیح ریشه ها و علل بحران به عمل آمد. به تدریج اجماعی اجمالی در این مورد شکل گرفت. با شروع بحران از بازارهای مالی، تردیدی بر شمول این حوزه در بین علل اصلی بحران باقی نماند. عدم تعادل ناشی از قیمت گذاری غلط محصولات مالی در کنار ناپایداری الگوهای تجاری و راهبردی بنگاه های بزرگ مالی، انباشت بدهی و نسبت های اهرمی ناپایدار و رشد بانکداری سایه (نظارت نشده) همگی انگشت اشاره بر عدم تناسب مقررات و شیوه های نظارت در بخش مالی دارند. دوره نظارت ملایم و خود نظارتی توسط بازار سپری شد و دوره دخالت شدید و نظارت فراگیر بر بخش مالی اقتصاد، از سطح بازار تا بنگاه و کلان تا خرد فرا رسید.

دنیا در بسیجی بی سابقه مطالعات میدانی و غیر آن، در سطوح ملی و منطقه ای و جهانی را در دستور کار قرار داد. بین کشورها و بازیگران اصلی صحنه تغییر سیاست ها و سازمان دهی نظارت بر بخش مالی، در سال ۲۰۱۰، اتفاق نظر عمومی حاصل گردید. هیئت ثبات مالی جهانی زیر نظر کشورهای گروه ۲۰+ و در کنار کمیته بانکداری بال، مسؤلیت هماهنگی نهائی تلاش های جهانی را به عهده گرفت. از اجلاس این گروه در سئول در تاریخ دهم نوامبر، یعنی ده روز دیگر، انتظار می رود که مهمترین تحولات مقررات و نظارت بر بخش مالی جهان را تصویب کند. آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر نیز به تفاریق و با سرعت های متفاوت، تغییرات مهمی را در اهداف بانک های مرکزی و سازماندهی نظارت بر بخش مالی اقتصاد خود، دنبال میکنند.

این تغییرات دامنه وسیعی از حوزه های مختلف را در بر میگیرند. سرمایه مورد نیاز مؤسسات مالی، استانداردهای نقدینگی بنگاهها، ایمن سازی بانکها، محدودیت عملیات بانکداری سرمایه گذاری و مشتقات مالی، وضع مالیات جدید بر ترازنامه بانکهای بزرگ و مؤثر بر خطر منظم بازار و مرتبط کردن طرح های پاداش بنگاههای مالی با خطر ادواری و آتی ترازنامه از موارد اصلی هستند.

اصلاح نظام های نظارتی نیز از اصلی ترین اجزای تحولات در دستورکارند. نظام های نظارتی متهم اند که بحران را پیش بینی نکردند و سقوط بانکها و ارزش محصولات مالی را موجب شدند. در مقابل دفاع آنها این است که قوانین و سازمان و اراده دولت ها حاکی از اعتماد بر مکانیسم های عدم مداخله و نظارت داوطلبانه بازار (Self regulation) و نظارت ملایم (Light touch regulation) توسط نهاد های نظارتی بوده است. نتیجه اینکه دوره ادبیات عدم مداخله دولت ها در بازارهای مالی و امور بنگاهها و فعالان بازار سپری شده و دوره فرود سنگین مقررات و نظارت شدید نهادهای نظارتی فرا رسیده است. در این دوران بانک های مرکزی در کنار هدف کنترل تورم، مسؤول ثبات عمومی بخش مالی اقتصاد هستند و برای نیل به این هدف بایستی ابزارهای قانونی وسیعی در اختیار گیرند. هدف پیش بینی و تا حد امکان پیشگیری از بحران در آینده است. و در صورت بروز بحران، توانایی مقابله سریع با آن از طریق استفاده از ابزارهای عادی و اضطراری و سازماندهی قبلی است.

به نظر میرسد پاسخ به بحران در بریتانیا در طی دو سال گذشته سریع تر و دقیق تر از بسیاری از کشورها بوده است. به علاوه لندن بزرگترین بازار مالی جهان است. مثلا بازار مبادلات ارز در آمریکا با فاصله ای بسیار زیاد پس از بریتانیا در رتبه دوم قرار دارد. نزدیک ۳۸٪ از مبادلات ارزی بر اساس گزارش BIS در سال جاری در بریتانیا انجام شده است. مروری بر تجربه تحولات در بریتانیا میتواند نمونه قابل اعتنایی از تحولات حوزه مقرراتگزاری و نظارت بر بخش مالی باشد.

طبق برنامه های منتشر شده توسط دولت ائتلافی جدید بریتانیا، بانک مرکزی انگلستان مسؤولیت نظارت احتیاطی (Prudential regulation) را به عهده خواهد گرفت. در این بانک کمیته سیاست مالی در کنار کمیته سیاست پولی موجود، این مسؤولیت را به عهده میگیرد. دو نهاد نظارتی جدید بر باقیمانده های FSA بنا خواهد شد. یکی زیر نظر بانک مرکزی انگلیس مسؤول نظارت احتیاطی بانکها و بیمه ها و بانکهای سرمایه گذاری خواهد بود. این نهاد بر خلاف گذشته روش اتکا بر پرسشنامه را که ناکارآمد است به کناری نهاده و بیشتر بر اساس قضاوت حرفه ای عمل خواهد کرد. نهاد دیگر بر حمایت از مصرف کنندگان و نظارت بر زیر ساخت های بازار متمرکز خواهد شد. حفره های نظارتی و اجرایی نظام قدیم پر خواهد شد و فصلی دیگر برای ارزیابی و اصلاح شروع میشود.

تا تاریخ به یاد دارد در کنار بانکداری، بحران مالی وجود داشته است. آینده نیز به همین منوال شاهد بحران های مالی خواهد بود. ولی با تاثیر بیش از پیش بانکها و بخش مالی اقتصاد بر رفاه عمومی و رشد و توسعه اقتصادی، باید همواره در پی اصلاحات دائمی برای کاهش احتمال وقوع و تواتر بحران و پیش بینی آثار احتمالی و اعمال ساست های تعدیل کننده آثار مخرب آن بود.

ما در ایران کجا قرار داریم و چه باید بکنیم؟ شما بگویید.